

ای رسول مشرکان را بگو که شما به خدا که زمین را در دو روز آفرید کافر می شوید و بر او مثل و ماند قرار می دهید؟ او خدای جهانیان است و او زوی زمین کوه ها را برافراشت و انواع برکات و منابع بسیار در آنها قرار داد و قوت و ارزاق اهل زمین را در 4 روز مقرر فرمود و روزی طلبان را یکسان در کسب روزی خود گردانید (بر خلاف آنچه در همه جا گفته خدا هر که را خواهد وسیع روزی و هر که را بخواهد تنگ روزی می گرداند) و آنگاه به خلقت آسمانها توجه فرمود که آسمانها دودی بود. فرمود ای آسمان و زمین همه به سوی خدا با شوق و رغبت یا به جبر و کراهت بشتابید. آنها عرضه داشتند ما با کمال شوق و میل به سوی تو می شتابیم. آنگاه نظم هفت آسمان را در دو روز استوار گردانید و در هر آسمانی به نظم امرش وحی نمود و آسمان دنیا را به چراغ های روشن زیب و زیور دادیم و از آسیب دیوان محفوظ داشتیم این تقدیر خدای داناست. توجه کنید که آفرینش در اینجا بر خلاف جاهای دیگر قرآن در 8 روز انجام شد.

از طرفی خدا با زمین و آسمان حرف می زند و می گوید یا با شوق یا با کراهت به سوی خدا بشتابید. و زمین و آسمان هم می گویند ما با شوق و میل به سوی تو می آییم. مفسران می گویند مراد از این آیه این است که همه چیز رو به کمال خود می رود. اما به گفته اختر شناسان در 4 میلیارد سال دیگر زمین در کام خورشید فرو خواهد رفت. و در 1¹²⁴ یعنی یک به توان 124 هزار سال دیگر تمام ستارگان خاموش و سیارگان نابود خواهند شد. پس کدام تکامل در اینجا منظور است.

آیه 37 این سوره می گوید: و اگر کافران از پرستش خدا تکبر ورزند. فرشتگان نزد خدا شب و روز بی هیچ خستگی و ملال به تسبیح و طاعت حق مشغولند.

اگر خدا به پرستش بندگان احتیاج ندارد. و هر انسانی نماز و عبادات را باید برای تعالی روح خود بخواند. فرشتگان برای چه بی خستگی به عبادت مشغولند. مگر آنها در کمال نهایی خود خلق نشدند؟ آیه 44 این سوره می گوید: و اگر ما این قرآن را به زبان عجم می فرستادیم کافران می گفتند چرا آیات این کتاب مفصل و روشن نیست. ای عجب آیا کتاب عجمی بر رسول و امت عربی نازل می شود؟

حال که قرآن به زبان عربی نازل شده ما عجمان یا انگلیسی زبانان یا. . . . می پرسیم چرا قرآن به زبان بین المللی انگلیسی که همه آن را می فهمند نازل نشد؟

سوره شوری:

سوره 33 این آیه می گوید: و اگر خدا بخواهد باد را به سکون و آرامش وا می دارد تا کشتی ها بر پشت آب از جنبش بایستند.

در اینجا خدا نمی دانسته است که کشتیهای آینده به باد احتیاج ندارند. و به وسیله موتور های قوی به حرکت در خواهند آمد

آیه 51 این سوره می گوید و از رسولان هیچ بشری را یاری آن نباشد که با خدا سخن گوید مگر به وحی خدا یا از پس پرده غیب عالم یا رسولی فرستد تا به امر خدا هر چه او خواهد وحی کند که او خدای دانای بلند مرتبه است.

اما در آیه 163 سوره نساء دیدم که گفت خدا به موسی به طور واضح و آشکارا سخن گفت.

سوره زخرف:

آیه 12 این سوره می گوید:

و آن خدایی که همه موجودات عالم را جفت آفریده و برای شما کشتیها و چهار پایان را در آب و خاک مقرر فرمود

اما نه همه جانوران عالم جفتند و نه کشتی از مخلوقات خداست. کشتی را انسان ساخته است نه خدا.

آیه 16 این سوره می گوید: ای مشرکان آیا خدا از مخلوقات خویش دختران را برگزید و شما را به پسران امتیاز داد؟ و حال آنکه به هر کدام از مشرکان دختری که به خدا نسبت می دهند مرده دهند. رویش سیاه می شود و خشم فرو می رود. آیا کسی که به زیب و زیور آراسته است و در خصومت از حفظ حقوق خود عاجز است چنین کس؟ (لایق فرزندی خداست؟) و مشرکان فرشتگانی که مخلوق و بندگان خدا هستند. دختر می خوانند. آیا در وقت خلقت آنها حاضر بودند.

در آیه 20 سوره نجم نیز می گوید: آیا شما را فرزند پسر و خدا را دختر است؟ اگر چنین بودی باز هم تقسیم نادرست بودی

اگر حضرت محمد، برای زنان قرب و منزلتی قایل بود. در جواب مشرکان تنها به گفتن اینکه خدا فرزند ندارد. چه پسر چه دختر اکتفا می کرد. اما از آنجا که جنس زن را خوار می شمرد. می گوید چنین کسی که زیب و زیور دارد و در خصومت از حفظ حقوق خود عاجز است. نمی تواند دختر خدا باشد. و در قسمت اول آیه می گوید آیا خدا از مخلوقات خویش دختران را برگزید و شما را بر پسران امتیاز داد؟ اگر گفته بودند فرشتگان پسران خدا هستند اینگونه آشفته نمی شد.

آیه 32 دلیلی بر توجیه برده داری است. در این آیه می گوید: آیا آنها باید فضل و رحمت خدای خود را تقسیم کنند. در صورتی که ما خود معاش آنها را در دنیا تقسیم کردیم و بعضی را بر بعضی برتری دادیم تا بعضی از مردم بعضی دیگر را مسخر کنند. رحمت خدا از آنچه جمع می کنند بسی بهتر است.

سوره الاحقاف:

در این سوره به وجود جن عینیت می بخشد. در آیه 29 می گوید: ای رسول ما یاد آر وقتی که ما نتي چند از جنیان را متوجه تو گردانیدیم تا به استماع آیات تو گوش فرا دهند. چون نزد رسول رسیدند با هم گفتند گوش فرا دهید. چون قرانت تمام شد ایمان آوردند و به سوي قومشان برای تبلیغ و هدایت باز گشتند؟

دیور، فرشته، شیطان، جن همه این عناصر تخیلی در قرآن جسمیت یافته و بعضی از طرف خدا مأمور امور شر و بعضی به عنوان دستیاران خدا در رساندن پیغام او به پیامبرانش یا گاهی مأمور آزمایش انسان می شوند.

سوره الفتح:

مسلمانان شیعه معتقدند که پیامبر به دلیل عصمت ذاتی به گرد گناه نمی رود و به همین دلیل آیات قرآن که از طرف خداست. بی کم و کاست در سینه او حفظ می شود

آیه 1 سوره فتح می گوید: ما تو را به فتحی آشکار در دنیا فیروز می گردانیم تا از گناه گذشته و آینده تو در گذریم.

مفسران این آیه می گویند مراد از گناه پیغمبر گناه او بود به عقیده مشرکان که دعوت او را به توحید گناهی بزرگ می شمردند.

آیا خدا از زبان مشرکان با پیامبرش سخن می گوید؟ آیا خدا با کافران هم قول بوده و دعوت او را به توحید گناه می شمرد که حالا می خواهد از این گناه در گذرد؟ و اگر از زبان مشرکان سخن می گوید مراد از گناه آینده او چیست.

سوره الذاریات

آیه 56 این سوره می گوید: و ما خلق جن و انس را نیافریدیم مگر برای اینکه مرا پرستش کنند

تنها هدف خلقت بشر این است که خدا را ستایش کند. برای همین است که در آیه ای از قرآن دیدیم که خدا گفت هر گناهی را به هر که مشیتش تعلق گیرد می بخشد به جز گناه شرک. چون در این صورت زحمت خود را هدر داده. چگونه می گوید خدا به عبادت ما احتیاج ندارد در صورتی که پرستش خدا تنها و تنها علت آفرینش انسان بوده است.

سوره الطور

آیه 22 این سوره و همچنین آیه 21 سوره واقعه به بهشتیان وعده خوردن گوشتهای لذیذ می دهد

و در بعضی جاهای دیگر و وعده نهرهایی که در آنها شیر و عسل جاریست

اما اگر قرار است تنها انسان در آن دنیا جواب پس بدهد. پس این حیوانات کجا هستند که ما از گوشت و شیر . . . آنها در بهشت استفاده کنیم. آیا در آن دنیا هم نباید حیوانات از دست انسانها راحت باشند.

سوره نجم:

این سوره اینگونه شروع می شود:

قسم به ستاره چون فرود آید. که صاحب شما هیچ گاه در ضلالت و گمراهی نبوده و هرگز به هوای نفس سخن نمی گوید. سخن او هیچ جز وحی خدا نیست. او را همان جبرئیل فرشته بسیار دانا آموخته است

ماجرا از این قرار است که وقتی محمد از قوم خویش نا امید شد. برای جلب نظر آنان شروع به خواندن آیاتی که در بالا ذکر شد می کند تا به آیه 19 این سوره می رسد.

آیه 19 این سوره می گوید. ای مشرکان آیا دو بت بزرگ لات و عزی خود را دیدید. سپس در آیه بعدی که از قرآن حذف شده می گوید: تلك غرانيق العلي و شفاعتهن ترتضي. یعنی این بتان از پرواز کنندگان عالم بالا هستند و شفاعت آنها لازم است. سپس به سجده می رود و همه مشرکان همراه او به سجده می روند. اما پس از این آیه پشیمان و بسیار افسرده خاطر شد. سپس این آیه سوره حج که می گوید: (و ما ارسلنا من قبلك من رسول و لا نبي اذا تمنى القباليشيطان في امنيه فينسخ الله ما يلقي شيطان ثم يحكم آياته والله عليم حكيم) یعنی اینکه ما پیش از تو هیچ پیامبری نفرستادیم جر اینکه وقتی که قرانت کرد شیطان در قرانت او القا کرد و خدا آیات شیطان را منسوخ می کند و آیات خود را استوار می سازد. همانا خدا دانا و با حکمت است. (رجوع کنید به تاریخ طبري جلد سوم ص 880-882)

سوره واقعه:

در آیات فراوان مژده حوریان بهشتی به مؤمنین داده شده. در اینجا به مردان همجنس باز نیز وعده و وعید داده شده آیه 17 این سوره می گوید:

و پسرانی که حسن و جوانیشان ابدی است گرد آنها به خدمت می گردند. با کوزه ها و جام های پر از شراب ناب. و در آیه 36 این سوره نوید می دهد که زنان بهشتی را همیشه باکره می گرداند.

اینجور که پیدا است. اینهمه تلاش برای رسیدن به قرب خدا که هدف خلقت انسان بیان شده. در بهشت همه منتفی شده و در آنجا انسان فقط می خورد و می آشامد و به امور جنسیش می رسد. یعنی پس از این همه تلاش تازه به يك حیوان تبدیل می شود. که همه آنها به صورت نقد در دنیا برایش فرا هم بود.

سوره مجادله:

به آیه 12 این سوره توجه کنید:

ای اهل ایمان هرگاه بخواهید با رسول سخن سری بگوئید پیش از این کار باید صدقه بدهید که این صدقه برای شما بهتر و پاکیزه است. در آیه بعدی می گوید: آیا از اینکه پیش از راز گفتن با رسول صدقه بدهید ترسیدید؟ پس حال که نکردید باز هم خدا شما را بخشید. اینک نماز به پای دارید و زکات دهید. و خدا و رسولش را اطاعت کنید

می بینید که چگونه محمد با نزول آیه ای در صدد استثمار مردم بر می آید. اما چون کسی به حرف او گوش نمی کند در حکم خود تخفیف می دهد. این چندمین دفعه هست که خدا تغییر عقیده می دهد. ؟

سوره الحشر:

این سوره در توجیه آواره ساختن یهودیان به دست محمد نازل شد. محمد رئیس این قبیله را که کعب ابن اشرف نام داشت و مردی خوش سیما و شاعر و از اشراف مدینه بود. به یاری هم دستانش کشت. بعد از مدتی مسلمانان برای گرفتن انتقام کشتگان بدر به سوی مکه حرکت کردند اما قبیله بنی نضیر علی رغم پیمانی که با مسلمانان بسته بودند که در جنگ با مکیان آنها را یاری کنند. به پیمان خود وفا نکردند (چون رئیس قبیله آنها به وسیله یاران محمد و به دستور او کشته شده بود).

از طرفی عمر ابن امیه دمري دو نفر از قبیله بنی امیر را به اشتباه کشته بود و مسلمانان متعهد بودند که ديه خون آنان را بپردازند. آنها به قبیله بنی نضیر رجوع کرده و درخواست کردند که در پرداخت ديه به آنها کمک کنند. آنها به ظاهر قبول کرده اما در نهانی تصمیم می گیرند که محمد را سر به نیست کنند. از این رو روزی که محمد برای عقد قرارداد به محل مورد نظر می رود يك نفر از یهودیان تصمیم میگیرد که با سنگ به سر محمد بکوبد. اما محمد به گفته خویش از طریق وحی از این فتنه آگاه می شود. و این را بهانه ای قرار می دهد تا جنگ با یهودیان را آغاز کند. در حقیقت این بهانه ای بود تا ثروت آنها را تصاحب کند. چرا که آگاهی از توطئه آنها همانند داستان معراج و حرف زدن با جنها دروغی بیش نیست. چون بنی نضیر طایفه ای ثروتمند بود و محمد در مدینه در بین آنها بود و به راحتی می توانستند. او را بکشند. به فرض مسلم که توطئه ای در کار بود. آیا این کدام قانون انسانی است که به شخصی اجازه می دهد برای توطئه ناموفق عده قلیلی تمام افراد قبیله را آواره و در به در کنند؟ کدام برادر را به گناه برادر دیگر سر می برند برای اطلاع بیشتر به این آدرس مراجعه کنید

رفتاری بدتر از این با یهودیان بنی قریظه و بنی قینقاع کرد در یک روز 600 نفر الی 900 نفر از اسیران بنی قریظه را سربرید. شرح داستان بنی قریظه و بنی قینقاع خارج از بحث ما میباشد برای مطالعه بیشتر می توانید به این آدرس مراجعه کنید

Sahih Bukhari Volume 4, Book 52, Number 280

آنچه در قرآن در باره قبیله بنی نضیر آمده است بدین شرح است:

اوست خدایی که کافران اهل کتاب را برای اولین بار همگی را از دیارشان بیرون کرد (این در زمانی است که نه صلیب سرخی وجود داشته نه کمپینگی برای آواره ها) و شما مسلمین هرگز گمان نمی کردید که آنها از دیار خود بیرون روند و آنها حصارهای محکم خود را از قهر خدا نگهبان خود می پنداشتند. تا آنجا که خدا از آنجا که گمان نمی بردند بر آنها فرا رسید و در دلشان ترس افکند تا به دست خودشان و به دست مسلمین خانه هایشان ویران شود. ای هوشیاران عالم از این حادثه پند بگیرید. و اگر خدا بر آنها حکم جلای وطن نمی کرد در دنیا معذب می کرد و به هر حال عذاب آتش دوزخ بر آنها خواهد بود. این برای این بود که آنان با خدا و رسولش دشمنی و مخالفت کردند و هر که با خدا به دشمنی آغازد عقاب خدا بسیار سخت است (ایا یهودیان خدا پرست نبودند یا فقط با محمد مخالف بودند؟)

در آیه بعدی حتی بریدن درختان را همه به امر خدا مرتبط می داند و در ادامه خدا همه غنایم را چون بدون جنگ بدست آمده متعلق به رسول و خاندانش می داند.

سوره الممتحنه:

آیه 9 این سوره می گوید: ای کسانی که ایمان آوردید زنانه مؤمنه ای که هجرت کردند و به سوی شما آمدند، خدا به ایمانشان دانایتر است شما از آنها تحقیق کنید. اگر با ایمانشان شناختید دیگر آنها را به شوهران کافرشان بر مگردانید که هرگز این زنان مؤمن بر کفار و آن شوهران کافر بر این زنان حلال نیستند (در اینجا یکتاپرستی به جای تحکیم خانواده به از همپاشی نظام خانواده دامن میزند.) ولی مهر و نفقه ای که آن شوهران خرج این زنان کردند به آن مردان بدهید. (یعنی آن زنان را از آن مردان بخرید) و باکی نیست که شما با آنها نکاح کنید و لی مهر آنها را بدهید و هرگز متوسل به کافران نشوید و شما از کافران مهر و نفقه طلب کنید. آنها هم مهر و نفقه طلبند این حکم خداست میان شما بندگان و خدا به حقایق امور آگاه و حکیم است.

در یک جای این آیه گفته شده مهر و نفقه ای که این مردان خرج زنان کردند به آنها بدهید. در یک جای دیگر گفته از کافران مهر و نفقه طلب کنید. کدام درست است؟

در آیه بعدی می گوید: و اگر زنان شما به سوی کافران رفتند شما در مقام انتقام برآیید (یعنی زنانتان باید کورکورانه دین شما را بپذیرند) مهر و مخارج زن را از کافران بگیرید. یا زنی مؤمنه بگیرید و به قدر همان مهر و نفقه ای که خرج کرده اند به مردانی که این زنانشان رفته اند بدهید (روی سخن با کیست) و از خدایی که به او ایمان آورده اید بترسید (نه عشق بورزید) پرهیزکار شوید.

سوره جمعه:

آیه 2 این سوره می گوید:

اوست خدایی که میان عرب امی پیغمبری بزرگوار از همان قوم برانگیخت تا بر آنها وحی خدا را تلاوت کند و آنها را پاک سازد

عده ای معنای امی را بیسواد می دانند در صورتی که امی به معنی کسی است که به هیچ کدام از دین های یهودی مسیحی یا زرتشتی را نپذیرفته باشد. عده ای برای بزرگ جلوه دادن قرآن و همینطور معجزه خواندن آن می گویند محمد بی سواد بوده است. در صورتی که این یک دروغ تاریخی بیشتر نیست. چرا که پیامبر تاجر بود و برای حضرت خدیجه کار می کرد و در آن زمان هنوز اعداد در آن کشور رایج نشده بود و تاجران با استفاده از حروف محاسبه می کردند و بنا بر آنچه که می دانیم حضرت محمد به امین معروف بوده است. بنا بر این برای اینکه بتواند تاجر خوبی باشد باید تمام حروف الفبا را بداند. از طرفی پیمان صلح حدیبیه را نیز با دست خود امضاء کرد. در زمان مرگ نیز خواست که برای او قلم و کاغذ بیاورند تا چیزی بنویسد. اما عمر ممانعت کرد و گفت او حالش خوب نیست و هذیان می گوید. بنا بر این بی سواد بودن او یک دروغ تاریخی بیش نیست.

آیه 6 این سوره می گوید: ای رسول ما جهودان را بگواگر پندارید که به حقیقت دوستدار خدایید نه مردم دیگر پس تمنای مرگ کنید اگر راست می گوئید.

اگر تمنای مرگ نشان عشق به خداست چرا از یاران خود چنین درخواستی نکرد. عشق به خدا برای خوب زیستن است یا مردن؟

سوره تحریم:

آیه 1 این سوره می گوید: ای ای پیغمبر برای چه آنچه را که خدا بر تو حلال کرده به خاطر خشنودی زناخت بر خود حرام می کنی. در صورتی که خدا آمرزنده و مهربان است.

در تفسیر وارد است که روزی حفصه به خانه پدر خود می رود و پیامبر با ماریه کنیز مصری در خانه او خلوت می کند. و حفصه زودتر از موعد مقرر به خانه بر میگردد و چون حفصه بسیار آزرده خاطر می شود پیامبر به او می گوید این راز را به دیگر زنان نگو در عوض من سوگند یاد می کنم که ماریه را بر خود حرام کنم. اما چون حفصه این مطلب را با عایشه در میان می گذارد. سپس این آیه نازل می شود. آیه بعدی می گوید: خدا حکم کرد بر شما که سوگند خود را بکشایید. او مولای شما بندگان و بر همه چیز عالم دانا و حکمتار تمام خلق آگاه است. آیه 3 این سوره می گوید: وقتی پیامبر با بعضی از زنان خود به راز گفت آن زن چون خیانت کرده و سر او را به دیگری گفت خدا به رسولش خبر داد و رسول برخی را بر آن زن آشکار کرد و برخی را از کرم پنهان کرد. آن زن گفت رسولاً تو را که واقف ساخت. گفت مرا خدای دانا خبر داد. اینک اگر هر دو زن به درگاه خدا توبه کنید (معلوم نیست چرا زنی که شنونده راز بوده نیز باید توبه کند) رواست که البته دلهای شما میل کرده است و اگر هم به اتفاق آزار او کنید باز خدا یار و نگهبان اوست و جبرئیل امین و مردان صالح با ایمان و فرشتگان حق یار و مددکار اویند. امید هست که اگر پیغمبر شما را طلاق داد خدا زنان بهتر از شما برای او همسر کند که همه با مقام تسلیم و ایمان و خضوع اطاعت کنند و اهل توبه و اطاعت باشند. چه بکر چه غیر بکر.

آنچه در این آیات روشن است این است که شکستن سوگند، رعایت نکردن نوبت زنان، همه برای محمد قانونی است و خدا هم به عنوان کارگزار محمد به او کمک می کند. خدا در اینجا در نقش یک جاسوس برای حضرت محمد ایفای نقش می کند. این چه خدایی است که به جای رسیدگی به امور عالم فقط همه حواس خود را جمع کرده که محمد برای عمل جنسی خود هیچ حرج و تنگی نداشته باشد. و حتی در اداره امور زنان او دخالت می کند و به پیغمبر اجازه می دهد که برای در مزیغه نبودن از نظر جنسی سوگند خود را بشکند زنان هم باید در برابر ظلم او ساکت باشند و گرنه خدا زنانی بهتر از اینها برای محمد بر می گزیند.

زنان در اسلام:

در اسلام زنان از نصف حقوق مردان برخوردارند. چه برای ارث گرفتن و چه برای شهادت دادن و حجاب اسلامی که به زور به زنان تحمیل شده خود وسیله ای دیگر برای تحقیر زنان به حساب می آید. چرا که آنها نیمی از جامعه را تشکیل می دهند. اما این روا نیست که نیمی از جامعه که زنان هستند خودشان را در محدودیت قرار بدهند و لباس مورد دلخواه خود را نپوشند که نیم دیگر جامعه که مردان هستند از گناه مصون بمانند. آیا زنان باید مواظب مردان باشند. یا مرد ها خودشان باید مواظب خودشان باشند؟ آیا این مشکل ما زنان است یا مشکل مردان؟

در حالیکه در کتاب حجاب مطهری از قول پیامبر ذکر شده که نگاه کردن به موی زنان اهل ذمه بلا مانع است. (زنان اهل ذمه یعنی زنان غیر مسلمان اعم از مسیحی، یهودی، و کافر) اگر حجاب برای مصون بودن مردان از گناه است، چه فرقی بین موی یک زن مسلمان و یک زن غیر مسلمان است؟ آقای خمینی نیز فتوی دادند که برای تهیه فیلمها در جایی که لازم باشد زنان می توانند به جای نشان دادن موی خود از کلاه گیس استفاده کنند. اما چه بسا کلاه گیسی که از موهای معمولی یک زن زیبا تر باشد و بر زیبایی او بیفزاید. شما را فقط به دلیل حجاب از شرکت در مسابقات المپیک محروم می کنند.

مسئله سکس هنوز به خوبی بین مسلمانان حل نشده است. در زمان گذشته که تنوری فروید در اروپا مطرح نبود مردان حتی با دیدن ساق پای زنان تحریک می شدند. اما امروزه زنها با لباسهای خیلی کوتاه از خانه بیرون می آیند و کسی هم تحریک نمی شود. نمونه آن را در کشور خودمان مشاهده می کنیم. در زمان شاه که مردم به اختیار خود لباس می پوشیدند اینقدر گزارش فحشا در روزنامه ها نمی خواندیم. اما امروزه اگر زنی چادرش را یک بار باز و بسته کند همه چشمها متوجه او می گردد و هر روز در روزنامه ها خبر دستگیری گروه های مختلف اوباش را تحت نام های گوناگون از قبیل گروه کرکس ها یا خفاش و غیره می شنویم. که در این بین دختران بیگناه ربهوده شده و طعمه این فاسدان می شوند.

اما به گوشه هایی از دیدگاه اسلام نسبت به زنان توجه کنید:

حضرت علي در نهج البلاغه مي گويد: با زنان مشورت نکن چون هم عقلشان کم هست و هم ايمانشان . عقلشان کم است چون شهادت دو زن برابر است با شهادت يك مرد و ايمانشان کم است چون در روزهايي که عادت ماهانه مي شوند نمي توانند نماز بخوانند.

حال به گوشه هايي از کتاب حليه المتقين نوشته ملا محمد باقر مجلسي توجه کنید:

در حديث معتبر از حضرت رسول منقول است که زنان را در غرفه و بالا خانه جا مدهيد و به آنها چيز نوشتن مياموزيد. سوره يوسف را به آنها نياموزيد و چرخ ريسي را به آنها بياموزيد و سوره نور را به ايشان بياموزيد و حضرت امر فرمود زنان را بر زين اسب سوار نکنيد و حضرت امر فرمود در نيكي از زنان اطاعت نکنيد تا طمع در امر به بدبي نکنند. به خدا پناه بريد از بد ايشان و از نيکانشان برحذر باشيد. حضرت باقر گفت رازي را به آنها نگوييد و در باره خويشان شما آنچه مي گويند اطاعت نکنيد و حضرت علي فرمود مردی که کارهاي او را زني تدبير کند ملعون است. حضرت رسول چون اراده جنگ مي کردند با زنان مشورت مي کردند و هر چه ايشان مي گفتند بر خلاف آن انجام مي دادند.

حضرت رسول فرمود هر که اطاعت زن خود بکند در جهنم سرنگون خواهد شد. گفتند يا رسول اين اطاعتها کدام است . گفت اينکه از او رخصت طلبد براي سير به حمامها عروسيتها و عزاها برود و او رخصت بدهد و جامه اي نازک طلبد که در بيرون بپوشد و او بگيرد و در حديث ديگر فرمود مثل چنين مثل استخوان کج پهلوست . اگر او را به حال خود بگذاري منتفع مي شوي و اگر راستش کني مي شکنند پس صبر کن بر نا خوشيهاي ايشان و از جمله حقوق زن بر مرد اين است که هر چهار ماه يك بار با او نزديکي کند. (ص117)

حضرت رسول فرمود اگر امر ميکردم کسي بر غير خدا سجده کند هر آينه مي گفتم زنان بر شوهرانشان سجده کنند و فرمود زن نماز خود را طول ندهد تا منع کند شوهر را از آنچه از او خواهد. و فرمود اگر مردی از زن خود تقاضاي مجامعت کند و زن تأخير کند تا شوهر بخوابد پيوسته ملانک او را لعنت کنند تا شوهر از خواب بيدار شود. (ص115-116)

در صفحه 114-115 اين کتاب نوشته در حديث معتبر از حضرت صادق منقول است که زني به خدمت رسول آمد و گفت يا رسول الله چيست حق شوهر بر زن. فرمود اطاعت شوهر کند و نافرمانی نکند و بي رخصت او از خانه تصديق نکند و روزه سنت بي رخصت او ندارد و هر وقت ميل مجامعت کند دريغ نکند اگر چه بر پشت پالان شتر باشد. و از خانه او بي رخصت او خارج نشود. و اگر بي رخصت او بدر رود ملانک آسمان و زمين و ملانک رحمت و ملانک غضب همه او را لعنت کنند. تا به خانه برگردد.

در صفحه 112 نوشته:

با زن آزاد در برابر زن آزاد ديگر جماع نکن اما کنيز را در برابر کنيز ديگر جماع کردن باکي نيست.

اما اي شير زنان ايران پيش از اسلام شما قرب و منزلتي داشتيد.

در زمان هخامنشيان زني براي اولين بار در تاريخ به درجه دريا سالاري نيروي دريايي خشايار شاه رسيد نام وي آرتيميس بود. پانته آ فرمانده گارد جاويدان بود (زن ژنرال آرسيا) آرتونيس در زمان داريوش كبير فرمانده اي شجاع بود نام شوهرش آرتاباز بود که يکي از سپهبدان داريوش شاه بود.

پري ساتيس زن داريوش دوم ارتشبد بود. آمستريس دختر ايشان نيز فرمانده بود. استاتيرا دختر داريوش سوم نيز فرمانده بود. آرتا دخت مسنول خزانه اردوان چهارم اشکاني بود. سورا دختر اردوان پنجم. دست راست پدر بود و در جنگها دلاورانه همراه پدر مي جنگيد و سمت سپهبدي داشت. آذرميدخت دختر خسرو پرويز پس از خواهرش پوران دخت به تخت نشست.

پرين دختر قباد مشاور امور قضايي ساسانيان بود.

آپارنيک همراه رستم فرخزاد همچون يك شير زن تا آخرين قطره خون با اين عربهاي متجاوز دليرانه جنگيد. نگان زن ديگري بود که در جنگ چريکي عليه عربها جنگيد. بانو زن بابک خرم الدين تا پاي جان پهلو به پهلو شوهرش با دشمنان جنگيد.

آزاد ديلمی زني بود که براي سالهاي طولاني همراه با باند چريکي خود در جنگلهاي گيلان با اين بيگانه ها جنگيد.

قرض از اين همه دراز گويي اين بود که وضعيت خود را با آنچه پيش از اسلام داشتيد مقايسه کنید. چه براي تان مانده جز اينکه شما را مايملك مردان به حساب آورده اند. و از شما انتظار دارند که برده وار مطيع آنان باشيد. آنان بايد به شما ديکته کنند کجا برويد يا کجا نرويد. چه بپوشيد و چه نپوشيد. پس کي مي خواهيد ابراز وجود کنید. کي مي خواهيد لياقتتان را به جهانيان

نشان بدهید. تا کی می خواهید عمرتان را در کلاس های روخوانی قرآن و روضه سپری کنید و در داغ آنان که برادران ما را از دم تیغ گذراندن گریه سر کنید.

هیچ کدام از چهره های مذهبی که در ذهن دارید . آن نیست که شما می پندارید. امام حسن و امام حسین کسانی هستند که در جنگ طبرستان برادران ایرانی ما را کشتند. به ما چه که برای قدرت طلبی و نسنجیده با 72 نفر در مقابل 5000 نفر جنگید و مرد. پدر همو بود که مردم استخر فارس را کشت و 700 یهودی را در یک شب سر برید. و مرتدان را در آتش سوزانید. تاریخ را بخوانید تا چهره واقعی آنانی که از آنها برای خود بت ساخته اید بر شما روشن شود. با مراجعه به کتاب صحیح بخاری و تاریخ طبری که از کتابهای معتبر هستند به خوبی چهره زشت این پیشوایان بر شما روشن خواهد شد.

خواهر عزیزی که فاطمه دختر محمد را الگوی امروز خود قرار داده ای چقدر از او میدانی؟

چقدر در تاریخ نقش داشته؟ هیچ از او نمی دانی جز اینکه دختر محمد وزن علی و مادر حسن و حسین بوده است. از افسانه های دور از ذهنی که برای ولادت او سر هم کرده اند که فقط مشتی احمق آن را باور می کنند. و او را در ردیف قدیسان قرار می دهند بگذریم (می گویند در شکم مادر با او سخن می گفت و گاهی الله و اکبر می گفت. و هنگام ولادت حضرت مریم، آسیه و جمعی از فرشتگان در امر زایمان فاطمه به خدیجه کمک کردند).

از بدو تولد نوکری به اسم عنتر تا زمان مرگ در خدمتش بود. در سن 18 سالگی مرد. همه حسن او در این بود که زن خوبی برای شوهرش و مادر خوبی برای فرزندانش بود. با دست خود گندم آرد میکرد و نان می پخت. مگر زنان دیگر هم دوره او به جز این بودند. مگر در جنگ احد چند نفر از شهیدان اسلام زن نبودند؟

در کتاب فاطمه فاطمه است دکتر شریعتی از فاطمه به عنوان زنی یاد می کند که با افسوس می گوید کجاست آن شمشیر خونین شوهرم که هر گاه از جنگ باز می گشت آن را برایش شستشو میدادم.

در کتاب کشتی به پهلو نشسته حدیثی نقل می کنند که پیامبر از علی پرسید چه چیز برای زن از همه چیز بهتر است؟ علی گفت روز دیگر پاسخ خواهم گفت. سپس از فاطمه پرسید و فاطمه گفت اینکه هیچ مردی او را نبیند. و او نیز هیچ مردی را نبیند. سپس علی به پیش پیامبر رفت و این جواب را باز گفت. پیامبر گفت من مطمئن هستم این پاسخ از تو نیست. علی جواب داد آری یا رسول این جواب را از فاطمه شنیدم. محمد گفت میدانم که این پاسخ از فاطمه است و نیکو پاسخی است.

آیا چنین الگویی به درد زن امروزی می خورد؟ زن خانه نشین دور از اجتماع و طبیعتاً نادان. این است آنچه الگوی خود قرار داده اید. وقتی به کوچه می رفت به مردم فخر می فروخت. و می گفت محمد پدر من بود نه پدر زنان شما علی شوهر من بود نه شوهر زنان شما برای باز پس گرفتن باغ فدک به مسجد رفت و از پشت پرده با مردم سخن گفت. که از پشت پرده سخن گفتنش مصداق زن خوب بودن از قول خودش برای در امان بودن از نگاه مردان و دور از اجتماع زندگی کردن است. اما مسئله باغ فدک این بود که ابوبکر معتقد بود غنیمتی که از جنگ به دست آمده متعلق به همه مسلمانان است و نمی تواند به تو ارث برسد. و این سخنرانی او در مسجد به معنی نقش داشتن در تاریخ نیست چرا که فقط به آنجا رفت تا باغ را که به اشتباه متعلق به خود می دانست باز پس گیرد.

سرتا سر کتابهای مذهبی را زیر و رو کنید هیچ اثری از فاطمه در تغییر گوشه ای از زندگی زنان جامعه خویش نمی بینی. بلکه مطابق این الگو زن فقط باید خانه نشین باشد.

اما در همین عربستان که می پندارید زنان پیش از اسلام خوار بودند. زنان شاعر وجود داشتند. (یکی از آنان به جرم سرودن شعر هجوی برای پیامبر با داشتن 5 فرزند کشته شد).

زنان تاجر نیز وجود داشتند. خدیجه یکی از آنان بود. در اشعار اعراب نیز ستایش زنان دیده می شد. گفته شده که سکینه دختر امام حسین کتابی در زمینه موسیقی نوشته بود. و بسیار نیکو می رقصید.

اما اکنون به گوشه هایی از رساله این ملایان که بر گرفته از قرآن و دستورات اسلامی است توجه فرمایید:

مسئله 2056- مادر و خواهر و دخترپسری که لواط داده بر لواط کننده حرام است. خواه لواط کننده بالغ باشد خواه نابالغ. ولی اگر لواط کننده بالغ نباشد حرام نمی شود. همچنین اگر شك داشته باشد که دخول حاصل شده یا خیر.

مسئله 2057- اگر با مادر و خواهر یا دختر کسی ازدواج کند و بعد از ازدواج با او لواط کند آنها بر او حرام نمی شوند.

مسئله 444- اگر مردی با زن حائض نزدیکی کند یا با زن حائض بیگانه ای به گمان اینکه زن خود اوست نزدیکی کند. احتیاط آن است که کفاره بدهد.

مسئله 445- کسی که نمی تواند کفاره بدهد بهتر آن است که صدقه بدهد و اگر نتوانست استغفار کند.

مسئله 364- هرگاه انسان جماع کند و به اندازه ختنه گاه یا بیشتر داخل شود مرد و زن هر دو جنب می شوند. خواه بالغ باشند یا نابالغ منی بیرون بیاید یا خیر. این در صورتی است که جماع در قبل (به ضم ق و ب) باشد و اگر در دبر (به ضم دال و ب) باشد بنا بر احتیاط واجب باید جمع کند بین غسل و وضو.

مسئله 365- اگر شك کند که به مقدار ختنه گاه وارد شده یا نه غسل بر او واجب نیست.

مسئله 366- هرگاه نعوذ بالله با حیوانی نزدیکی کند و منی از او بیرون آید جنب می شود و غسل کافی است. و اما اگر منی بیرون نیاید احتیاط واجب آن است که برای نماز مانند آن هم غسل کند و هم وضو بگیرد. مگر که قبل از این کار وضو داشته باشد که در این صورت غسل کافی است.

مسئله 368- کسی که آب برای غسل نداشته باشد می تواند با همسر خود نزدیکی کند تیمم برای او کافی است. خواه پیش از وقت نماز باشد خواه پس از آن.

مسئله 369- هرگاه در لباس خود منی ببیند و یقین کند که از خود اوست باید غسل بگیرد. و نمازهایی را که یقین دارد با جنابت خوانده قضا نماید ولی آنچه را شك دارد لازم نیست قضا نماید.

مسئله 1345- جماع روزه را باطل می کند. هر چند فقط به اندازه ختنه گاه داخل شود و منی هم بیرون نیاید و هر گاه کمتر از آن وارد شود و منی هم بیرون نیاید باطل نمی شود. و اگر شك کند این مقدار وارد شده یا خیر روزه اش صحیح می باشد (رساله توضیح المسائل آیت الله مکارم شیرازی).

مسئله 2396- اگر انسان با خاله و عمه خود زنا کند دختران اینان بر او حرام می شوند و او نمی تواند با آنها ازدواج کند.

مسئله 2397- اگر کسی با دختر خاله یا دختر عمه خود ازدواج کند و پیش از نزدیکی با آنها با مادرشان زنا کند آنها بر او حرام نمی شوند.

مسئله 2398- اگر کسی با زنی غیر از عمه و خاله خود ازدواج کند هر چند که مقتضای احتیاط آن است که با دختر او ازدواج نکند.

اما جوازش خالی از قوت نمی باشد. اما اگر زنی را عقد کند و با او نزدیکی کند و بعد با مادر او زنا کند آن زن بر او حرام نمی شود. و همچنین است اگر پیش از نزدیکی با او با مادرش زنا کند. ولی در این صورت احتیاط مستحب آن است که از آن زن جدا شود.

مسئله 2412- چنانچه مردی دختر نابالغی را برای خود عقد کند و پیش از اینکه به بلوغ برسد با او نزدیکی و دخول کند چنانچه او را افضا نماید هیچ وقت نباید با او نزدیکی کند (سایت اینترنتی آیت الله صانعی).

مسئله 2583- اگر حیوان حلال گوشتی را به دستوری که بعداً گفته خواهد شد سر ببرند. چه وحشی چه اهلی پس از جان دادن گوشت آن حلال است ولی بهیمة ای که انسان با آن وطی و نزدیکی کرده. و حیوانی که نجاستخوار شده. اگر به دستوری که در شرع معین نموده اند آن را استبراء نکرده باشند بعد از سر بردن گوشت آن حلال نیست.

مسئله 2631- خوردن گوشت خر و اسب و قاطر مکروه است. و اگر کسی با آنها وطی کند یعنی نزدیکی کند. حرام می شوند و باید آنها را از شهر بیرون برده در جای دیگر بفروشند.

مسئله 2632- اگر با گاو، گوسفند و شتر نزدیکی کنند. بول و سرگین آنها نجس می شود آشامیدن شیر آنها نیز حرام می شود. باید بدون تاخیر حیوان را بکشند و بسوزانند و شخصی که با آن وطی کرده بول آن را به صاحبش بپردازد. بلکه اگر به بهیمة دیگری هم نزدیکی کند شیر آن حرام می شود (توضیح المسائل آیت الله خمینی).

در باب مسائل چگونگی خلا رفتن خودتان به رساله خمینی رجوع کنید. این است آنچه به اسم آیین زندگی به تو هم وطن ایرانی که دارای فرهنگی 8000 ساله هستی غالب می کنند.

اما اي زنان محترم ايراني به گذشته خود بنگريد. ببينيد چه بوديد و چه شديد. دين خود را ارثي نگزنيد. و آن را نادانسته به كودكانتان منتقل نكنيد. شماييد كه سازنده ايران فردا هستيد. شماييد كه بايد با پرورش شير زنان و شير مردان, ايران را از لوٲ وجود اين بيگانگان عرب تبار زن ستيز پاك سازيد. به خود آبيد كه با بيداري شما ايران سر فراز خواهد شد.

نويسنده : پارميس سعدى

پاينده باد ايران

درفش كاويانى



<http://derafsh-kavivani.com/parsi>

derafsh-kavivani.com